طلوع روزنامه فرهنگی ، سیاسی ، اجتماعی ، ورزشی
صاحب امتیاز، مدیر مسؤول و سردبیر: محمد مهدی جعفری زاده
شماره استاندارد بین المللی روزنامه طلوع (شاپا) : ۸۰۰۲ - ۵۸۷۳ ISSN: 5873 - 8002
حساب جاری سپهر ۰۱۰۱۴۵۵۸۳۷۰۰۱ بانک صادرات شیراز - شعبه سه راه بهار به نام روزنامه طلوع
شیراز: خیابان انقلاب (نادر)- نبش پارک انقلاب - مجتمع رز- طبقه اول
تلفن: ۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۲ فاکس: ۰۷۱۱-۲۳۴۴۷۷۱
کازرون: خ قدمگاه - پایین تر از سه راه دانشسرا تلفکس: ۰۷۲۱ - ۲۲۲۹۲۴۶
تایپ و صفحه آرایی: روزنامه طلوع چاپ: میثاق

پیامبر گرامی اسلام (ص):

سه چیز جزء اخلاق ایمانی است؛ (یعنی نشان دهنده ی ایمان شخص است) کسی که وقتی خشمگین شود در (فعل یا حرف) باطل داخل نمی شود و کسی که (از فعل یا حرف خود) خشنود شود، شادی او باعث نمی شود که از حق خارج شود زمانی که کسی قدرت (بر چیزی) پیدا کرد، نسبت به آن چیزی که حق او نیست، تجاوز نمی کند.

نهج الفصاحه ، ترجمه علی اکبر میرزایی ، چاپ هفتم ۱۴۳۸

امروز شما

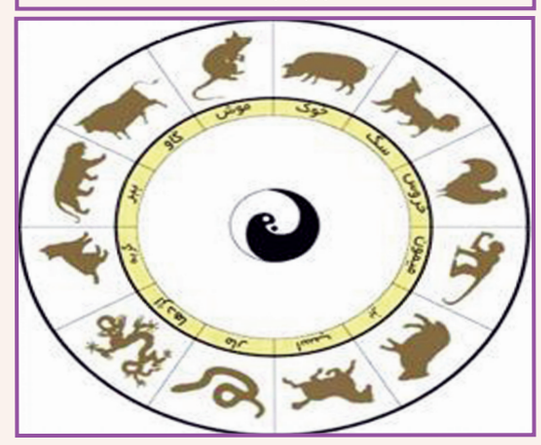

متولدین فروردین (بره):
اولویت های تان را مشخص کنید و انجام کارهایی را که برنامه ریزی کرده‌اید از امروز شروع کنید. اگرچه مشتاق هستید که سخت تلاش کنید، اما ممکن است همه چیز بیش از آن چه فکر می کنید طول بکشد. به دلیل تقابل خورشید با سیاره‌ی کلیدی شما مریخ، امروز بسیار تیز و چابک هستید و از طرفی هم نمی دانید که این انرژی را به کدام جهت هدایت کنید. اوضاع روابط تان کمی وخیم است، پس از هر گونه مشاجره ای پرهیز کنید.

متولدین اردیبهشت (گاو):
حتی اگر تصمیم داشتید که امروز کمی عقب بنشینید و استراحت کنید، اما چیزهایی در محیط اطراف تان اتفاق می افتد که نمی توانید نادیده‌ی شان بگیرید. اگر امروز دست از کار بکشید فقط باعث افزایش تنش می شود، زیرا به هر حال درگیر اتفاقات برنامه ریزی نشده‌ی اطراف تان می شوید.

متولدین خرداد (دوقلوها):
برای مدتی بیش فعال بوده اید و حالا دلتان می خواهد قبل از این که سوخت و انرژی تان به اتمام برسد کمی دست از فعالیت بکشید. اگرچه نشانه هایی وجود دارند که می توانید با سرعت آهسته تر پیش بروید، اما هنوز تصمیم ندارید که چیزی را متوقف کنید. می توانید دیگران را شگفت زده کنید و به آن ها نشان دهید که تا کجاها می توانید پیش بروید، اما فرسوده کردن خودتان در این فرایند مطمئناً ارزش اش را ندارد.

متولدین تیر (خرچنگ):
ممکن است کسی از شما انتظاری داشته باشد که بیش از توان شماست و شما هم دوست ندارید که نا امیدش کنید، حتی اگر احساس کنید که آن چه بر دوشتان قرار گرفته از توان شما خارج است. در حقیقت نمی خواهید هیچ چیزی را نادیده بگیرید، پس بهتر است قبل از این که به نتایج کار فکر کنید بله بگویید.

متولدین مرداد (شیر):
خدمت هایی که به دیگران ارایه می دهید به آرمان های معنوی شما گره خورده‌اند، اما به عهده گرفتن مسئولیت های بسیار در یک زمان باعث می شود که نتوانید به رویاهای خودتان فکر کنید. امروز ارتباط با دوستان مثل یک کاتالیزور عمل می کند و شما را به دنیای رنگارنگ خیالات تان وارد می کند.

متولدین شهریور (سنبله):
برای این که تصمیم بگیرید تا چگونه وضعیت مالی خود را بهبود ببخشید زمان کافی دارید، اما خودتان فکر می کنید که باید هر چه زودتر تصمیم بگیرید. اگر به طرز ناراحت کننده‌ای فکر می کنید که باید هرچه زودتر دست به کار شوید، چند نفس عمیق بکشید و خودتان را از این مخمصه خارج کنید.

متولدین مهر (ترازو):
کسی هست که شاید رفتارش خیلی واضح نباشد و حتی ممکن است که برخلاف نیت های خوب شما وارد عمل شده باشد. اگر متوجه شدید که یکی از دوستان تان ضد شماست عصبانی نشوید و سعی کنید از این تجربه درس بگیرید. این که دیگران را گناهکار کنید فقط باعث اتلاف وقت و انرژی شما می شود.

متولدین آبان (عقرب):
کنترل احساسات ابراز نشده می تواند پیچیده شود، به ویژه اگر نتوانید خشم و عصبانیت تان را نیز کنترل کنید. متأسفانه خیلی سخت است که بفهمید انگیزه‌ی کنونی تان چیست و تا چه حد احساسات تان عمیق اند. امروز خودتان را وارد هیچ بحثی نکنید، زیرا ممکن است به اشتباه فکر کنید که یک راه حل ساده برای حل مشکل تان وجود دارد.

متولدین آذر (کمان):
این که بخواهید در احساسات تان غوطه ور شوید و در عین حال کارآیی خود را نیز حفظ کنید برای تان به یک چالش تبدیل خواهد شد. دوست ندارید که رویاهای غیر واقعی خود را کنار بگذارید، حتی اگر تعهدات تان مانع شوند. مسئولیت پذیر باشید و به ایده آل های تان پایبند بمانید.

متولدین دی (بز):
امروز به شدت بی تاب و ناشکیبا هستید، اما به خاطر خصلت مسئولیت پذیری که دارید احتمال انجام کارهای احمقانه به حداقل می رسد. خوشبختانه یک ذخیره‌ی پنهانی انرژی دارید و به این ترتیب می توانید کاری را که شروع کرده اید به پایان برسانید، البته اگر درگیر مسایل احساسی نشوید.

متولدین بهمن (ظرف آب):
برای پیدا کردن یک راه حل درست بهتر است به احساسات تان توجه کنید و فقط به عقل تان رجوع نکنید. کمی فراتر از آن چه به چشم می بینید بیندیشید، زیرا تا تمام حقیقت روشن نشود به رضایت کامل نمی رسید. شاید دیگران متوجه نشوند که چرا به موضوعاتی که به آن ها مربوط نیست این قدر علاقه مندید، اما نگران این نباشید که دیگران چه فکری می کنند.

متولدین اسفند (ماهی):
اگر احساس می کنید که یک مورد مهم را در نقشه‌ی اصلی فراموش کرده اید هنوز هم خیلی دیر نشده و می توانید تا چند روز آینده فعالیت های خود را مجدداً بررسی کنید. امروز بهتر است زمان را به خاطر مشاجره با دیگران تلف نکنید، مهم این است که حقایق را فاش کنید. حتی اگر متوجه چیزی شدید که دوستش ندارید یاس و دلسردی به خودتان راه ندهید.

سیروس مقدم:

دیگر پایتخت" نمی سازم

خیلی ها منتظر هستند بدانند آیا سه گانه "پایتخت" ادامه پیدا خواهد کرد یا خیر؟ سیروس مقدم اعلام کرد دیگر "پایتخت" نمی سازم امّا...

بسیاری فکر می کردند "پایتخت ۳ " نتواند همچون دو مجموعه قبلی جذاب از آب در آید، خیلی ها انتظار به زمین خوردن این مجموعه را در نوروز ۹۳ داشتند و خیلی ها هم به مقدم، گروهش و البته ریسک این تیم در به دست گرفتن مجدد این سریال با قصه ای جدید مطمئن بودند. بالاخره "پایتخت ۳ " ساخته شد، روی آنتن رفت، طرفداران خودش را مثل همیشه داشت و مثل هر اثر نمایشی منتقدانی را نیز با خود همراه کرد. امّا نکته ای که بیش از هر چیز در سری سوم "پایتخت" مشهود بود و البته خواسته قلبی خود سیروس مقدم، ارتباط مخاطب با قصه نو و شخصیت هایی بود که بدون شک امروز از محبوب های تلویزیون محسوب می‌شوند. سیروس مقدم در روزهای پایانی پخش سریالش مهمان یک فنجان چای "بانی فیلم" شد و از هر دری در خصوص "پایتخت" صحبت کرد، از سبک و سیاق قصه گویی جدیدش، کارگردانی مستند گونه، پرداخت شخصیت هایی که

پس از سری اول و دوم امروز نیازمند رنگ و لعابی نو بودند تا جذاب و با مزه باقی بمانند و البته حرف و حدیث هایی که در طول پخش سریال به گوش رسید و با فینال متفاوت "پایتخت" فروکش کرد...

سریال پایتخت(۳) در حالی شکل گرفت که خیلی ها امکان ساخت آن را زیاد نمی دانستند. هدفتان از این ریسک بزرگ چه بود ؟

-واقعیت این است که هدف خاصی در بین نبود. من و خانم غفوری تا مدت ها، حتی به ساختن "پایتخت ۳ "، فکر هم نمی کردیم و پروژه‌ای به نام "میکاییل" را به نویسندگی سعید نعمت ا...، برای ناجی هنر در دستور کار داشتیم، حتی برای بازبینی محل به جنوب رفتیم، هفت قسمت فیلمنامه نگارش شد، با بازیگران تا مرحله عقد قرارداد هم پیش رفتیم که ناگهان سازمان، تصمیم گرفت که "پایتخت ۳ " را، تولید کند. با توجه به اینکه سریال "میکاییل" حتماً باید در پاییز و زمستان و در جنوب تولید می شد، عملاً آنرا کنار گذاشتیم تا پایتخت را شروع کنیم.

از سوی دیگر، محسن تنابنده و احمد مهرانفر با "شاهگوش" قرارداد داشتند و دوقلوهای ما در سوئد زندگی می کردند. دیگران نیز هر کدام گرفتاری خود را داشتند و جمع کردن گروه پایتخت، کار بسیار سخت و بعیدی به نظر می رسید. از همه مهمتر، خط داستانی و یا طرح فیلمنامه هم نداشتیم و تیم نویسنده هم، هنوز شکل نگرفته بود. در نهایت با حمایت های مالی دارابی و پی گیری های فرجی و سیفی آزاد، استارت پایتخت در مهرماه زده شد و ما تصمیم گرفتیم که با کمک تیم، پایتختی را بسازیم که نسبت به "پایتخت های ۱ و ۲ "، گامی به جلو داشته و قوی تر باشد.

قبول دارید ممکن بود این سری، همه رشته های شما و تیمتان را پنبه کند ؟ چه فاکتور هایی این موفقیت را برای شما از پیش تضمین می کرد ؟

-این نگرانی همواره وجود دارد. وقتی "پایتخت ۲ " را شروع کردیم، با خود می گفتیم، چه باید کرد که نسبت به "پایتخت ۱ "، گامی به جلو باشد. تجربه های ناموفق گذشته، ما را می ترساند، ولی از طرف دیگر با تیم سازنده و بخصوص محسن تنابنده پیمان بستیم که اگر به ایده و طرح تازه‌ای نرسیم و موقعیت های جذاب تازه ای نداشته باشیم، "پایتخت ۲ " را نسازیم و بگذاریم خاطره خوب "پایتخت۱"، در ذهن مردم پابرجا بماند.

اجازه دهید باور نکنم تنها خواسته تلویزیون و مخاطب این انگیزه را به شما داد. اگر بیس و پایه سری سوم شکل نمی گرفت دست به کار می شدید؟

-این درست است که پیشنهاددهنده "پایتخت ۳"، تلویزیون و مدیران فرهنگی‌اش بودند، اما باور کنید، اگر به قصه و ایده جذاب و بکری نمی رسیدیم، هرگز "پایتخت ۳ " را شروع نمی کردیم. ما شرطمان با تلویزیون این بود که به امّا و اگر بسنده نکنیم و اگر به سوژه قابل دفاعی نرسیدیم، "پایتخت" را کنار بگذاریم و روی طرح و ایده سریال دیگری برای ایام عید فکر کنیم. خوشبختانه تلویزیون هم پذیرفت و ما حتی روی یکی -دو ایده کمدی دیگر متمرکز شدیم، تا محسن تنابنده و تیمش، اعلام کردند ایده جذابی یافته اند که همانا بحث کُشتی و قهرمانی نقی در جام جهانی پیشکسوتان بود. بنابراین طرح های دیگر را کنار گذاشتیم و روی "پایتخت ۳ " فوکوس و به سازمان اعلام کردیم حالا می توانند روی "پایتخت" سرمایه گذاری کنند.

دو خطی سری سوم چه بود و چگونه کار به اینجا کشیده شد ؟

-دو خطی سری سوم این بود: نقی معمولی در آستانه زندگی در خانه تازه سازش، بر اثر یک اهمال و کوتاهی، در شب عروسی ارسطو، سقف خانه اش می ریزد و دچار افسردگی و بد اخلاقی می شود. هما، برای کمک و تغییر حال روحی اش،

او را تشویق می کند که به ورزش دوران جوانی اش، یعنی کشتی برگشته و اوقات فراغت خود را پر و بر افسردگی ناشی از خرابی خانه و بیکاری اش غلبه کند. نقی در فینال پیشکسوتان ایران به خاطر غرور بی جا و دست کم گرفتن حریف، بازنده می شود و حالش از آنچه بود، بدتر می شود. ... تا زمانی که به عنوان نفر دوم به اردوی تیم ملی فرا خوانده می شود و این بار، آگاهانه و مصمّم تر، قهرمان جهان می شود و باعث غرور و افتخار هموطنان و هم شهری ها و خانواده اش می گردد...

قسمت های آغازین سریال، چندین بار بازنویسی شد و در نهایت قرار شد تا قصه از عروسی ارسطو و خرابی خانه نقی شروع شود و سپس وارد بحث کُشتی شویم...

در سری سوم بیشتر شاهد این هستیم که کاراکتر هایی که در دوسری قبل خلق شدند ، محبوب تر و شناخته تر شدند و... کار را به دست گرفتند و شدند

برگ برنده شما، قبول دارید که گاهی شخصیت ها بیش از خود قصه، پیش برنده کار بودند ؟ این هدف از پیش تعیین شده خودتان نبود ؟

- باید بپذیریم که در نمایش های جهانی هم این یک اصل است. شخصیت هایی محبوب و دوست داشتنی می شوند و سپس بر اساس آنها، قصه های دیگری نوشته می شود... طبیعی است که این شخصیت ها زمام قصه را در دست گرفته و پیش برنده ماجراها می شوند... روابط این آدمها، خلق و خوی آنها، طرز گفتارشان، شیوه زندگی شان و... همه و همه، مانند خود زندگی، در سریال جاری می شود... اینگونه قصه ها، بر اساس توان و قدرت بازی بازیگرانش می توانند، باورپذیر شوند... این مطلب برای همه ما روشن بود و به همین دلیل هم وقتی که حضور احمد مهرانفر به عنوان ارسطو، دچار مسئله شد، همه ما نگران شدیم و گویی از یک میز چهار پایه، یک پایه اش کم است و تعادل ندارد و لنگ می زند. چون بسیاری از موقعیت های "پایتخت" بر اساس، بده بستان های ارسطو و نقی شکل می گرفت... بنابراین نبود ارسطو و یا هریک از شخصیت ها پازل "پایتخت" را دچار نابسامانی می کرد... ما سعی کردیم تعادل خوبی بین پیشرفت قصه و توان بازیگران برقرار کنیم که هیچ کدام بر دیگری نچربد... اما می پذیریم که بعضی جاها، این شخصیت‌ها بودند که از قصه جلو می زدند و برخی مواقع هم بر عکس بود، شخصیت ها، تحت الشعاع قصه و فضا قرار می گرفتند، مثل مراسم رونمایی از لباس تیم ملی....

نکته ای که شاید در سری سوم بیش از دو سری قبلی مشهود بود، شوخی های

کلامی و رفتاری در دل لحظات کاملا جدی و حتی دراماتیک از جمله شکست نقی، ساچمه مانده در بدن بهبود و... بود در این باره صحبت می کنید ؟

- باید بپذیریم که وقتی اثری در ژانر کمدی خلق می کنیم، وظیفه اصلی، طرح مسائل تلخ و جدی و اجتماعی است با چاشنی شیرینی و خنده و ملاحت... بنابراین هر چقدر بتوانیم در عین طرح مسائل واقعی لبخند بیشتری بر لب مردم بنشانیم، به وظیفه خود بهتر عمل کرده ایم. لبخندی که همراه با تفکر و تعمق است و اصلاً به سمت لودگی و بیهوده گویی، تمسخر، تحقیر و استهزاء نمی رود و حتی آنرا به نقد می کشد. در "پایتخت ۳ "، موقعیت های خطیر و هولناک و دردناکی وجود دارد که اگر طرح آنها، همراه با شیرینی و لبخند نمی شد، به شدت تلخ و غیر قابل تحمل می شد؛ مثلاً موضوع محیط بانها و سختی های کار و اوضاع زندگی شان، تراژدی محض است، سعی کردیم تا در کنار طرح این مصائب، با ایجاد شوخی و خنده، فرصت نشان دادن آن ها را هم داشته باشیم...

اینکه قصه پایتخت در طول مسیر در می آید کار را سخت تر نمی کند ؟ چقدر با قصه آماده در این جنس کار موافقید ؟ به نظر شما قصه آماده و کامل ، خلاقیت و بداهه تیم را تحت الشعاع قرار می دهد؟

-در ابتدا باید بگویم که طرح کلی و سیناپس کامل "پایتخت ۳ "، از ابتدا معلوم بود. ما می دانستیم که نقی باید شکست بخورد تا بتواند پیروز شود، تنها می ماند کیفیت و چگونگی رسیدن به این قهرمانی. در طول مسیر این سیناپس، باید موانع و مشکلات و حوادثی را طراحی می کردیم که قهرمانی نقی ارزشمند و با کیفیت شود. قصه "پایتخت" این ویژگی را دارد که به شدت به روز و منطبق با حوادث و ماجراهای روز پیش می رود و شاید هم به این دلیل است که مردم آنرا بسیار واقعی و ملموس می دانند. موضوعی مثل محیط زیست، برگرفته از صفحه حوادث روزنامه هاست که ناگهان مورد هجوم شکارچیان غیرقانونی قرار گرفت و در مقطعی که ناگهان موضوع حیات وحش و محیط بان ها حاد شد و شدت گرفت آنرا به فیلمنامه تزریق کردیم... یا موضوعات دیگر مثل تجلیل از محیط بان ها... مراسم رونمایی از پیراهن تیم ملی که در زمان خودش، مهمترین مسئله جامعه شد، ولی به آن کم توجهی شد... بنابراین، این شیوه کار، ذات پایتخت است و آنرا به شدت واقعی و باورپذیر می کند... معمولا سریال های نوروزی با یک قصه واحد وچند داستانک پیش می‌روند اما اینجا شاهد بودیم داستانک ها می آمدند محوری می شدند و گاهی به انتها می رسیدند و قصه ای دیگر کلید می خورد.... از سوی دیگر ریتم سریال، با ریتم واقعی زندگی تفاوت هایی دارد. ریتم واقعی زندگی کُند

و خیلی از مواقع تکراری و پوچ است، اما در "پایتخت" ریتم زندگی با ریتم هنری بازسازی زندگی، تلفیق شده و شما در ۶۰ و یا ۷۰ دقیقه ای که سریال می شود، در عین واقع گرایی، اصلاً کُند، ملال آور و تکراری به نظر نمی رسد... از طرف دیگر، داستانک ها و بچه قصه ها، اگر خود تبدیل به قصه اصلی و تأثیر گذاری نشوند، حوصله مخاطب را سر برده و دلیلی برای پیگیری آن نیافته و کلافه اش می کند. داستانک های "پایتخت"، آنچنان حساب شده و به اندازه در قصه اصلی آورده می شوند، که به هیچ عنوان نمی توان آنرا جدا کرد و بعد قصه "پایتخت" را تعریف نمود... این مهارت نویسندگان "پایتخت" است.

سری سوم پایتخت هم در این وانفسای مالی سازمان به سراغ اسپانسر رفت .

نمایش اینگونه اسپانسر، خواسته و طراحی خودتان بود یا شبکه ؟ (این سوال خیلی‌هاست) اصولا با استفاده اینگونه اسپانسر در آثار نمایشی موافق هستید؟

-در همه دنیا، سه چیز است که بر اساس توان مالی حامیان مالی اش، سر پا می ماند و فعالیت می کند. اول، سیاست، دوم ورزش و سوم هنر... بنابراین حضور حامیان مالی اصلاً چیز عجیب و غریبی نیست که می بایستی به فال نیک گرفته شود و از آن حمایت به عمل آید. اما تفاوت ما با دیگر کشورهای جهان در این است که شرح وظایف و کیفیت این همکاری حامیان مالی با سه مقوله ای که عرض کردم، روشن و قانونمند نیست. میزان دخالت این حامیان مالی در عرصه ای که به آن پا نهاده اند، چگونگی ارائه محصول موردنظر، تفاوتهای بین تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم. توقعی که این حامیان مالی دارند و... از جمله این مسائل هستند.

خوشبختانه سریال "پایتخت"، سریالی شناخته شده است و خود معرف خود است. کمتر نیاز پیدا می شد سریال را توضیح دهیم و میزان همکاری با اسپانسر را مشخص کنیم... ما این شانس را داشتیم که با شرکت اطلس مال، که مدیرانی فرهنگی و آگاه با مسئله تبلیغات و آشنا به سریال پایتخت بودند همکاری داشته باشیم... خوشبختانه اتفاق خوبی افتاد... بحث تبلیغات در دل کار طراحی شد و به هیچ عنوان، با شعار و استفاده غیر منطقی، صدمه ای به سریال نخورد و این شرکت هم در دل قصه ما درست تعریف شد... در غیر اینصورت واقعاً ساخت سریال "پایتخت"، با اوضاع مالی مملکت و سازمان و هزینه های سرسام آورش بخصوص در بخش مسابقات، تقریباً غیر ممکن بود... من همین جا از این دوستان و حمایت‌های به موقع شان تشکر می کنم .

در سری سوم پایتخت هم اگرچه زندگی به شکلی قابل باور در جریان است اما بیش از قبل کارگردانی محسوس است ؟ مشخصا جدا از نمایش زندگی وجوهی

دیگر نیز مد نظر بوده که جلوه های ویژه هم اینبار به کمك شما آمده بود ؟

-وقتی می خواستم "پایتخت ۳ " را شروع کنم، مروری بر "پایتخت های ۱ و ۲ " داشتم و به این نتیجه رسیدم که زیبایی های طبیعت مازندران، جنگل ها، شالیزارها، آبگیرها و جاده ها و... تنها از طریق نماهای هوایی (هلی شات) قابل ارائه است. بنابراین سعی کردم تا زیبایی شمال را در مقایسه با دود و آلودگی تهران و برج ها و ترافیک و... از طریق این گونه نماها به نمایش بگذارم. از طرف دیگر، سعی کردم حضور خودم به عنوان کارگردان کمتر احساس شود و سکانس ها به ساده‌ترین شکل و نمابندی تصویربرداری شوند.

نکته قابل توجه در این سری حرکات کمتر دوربین امیر معقولی بود. این بار قاب بندی های او کمتر شکسته می شد و مشخصا تصاویر شارپ تر به نظر می رسید....

قرار ما از روز اوّل همین بود. نماها، همگی رئال و طبیعی باشد. نورپردازی ها واقعی و در جهت خلق لحظات کمدی کار باشد و هیچ لحظه ای تحت الشعاع حرکت بی هدف دوربین و یا نورپردازی های دراماتیک خاص نباشد و همه چیز طبیعی به نظر برسد. امیر معقولی، فیلمبردار باهوشی است، او با کم کردن کنتراست تصاویر و شارپ نمودن عکس ها، تلاش کرد سریال "پایتخت"، راحت و روان و بی استرس به مخاطب منتقل شود و از هر حرکت اضافی و یا به رخ کشیدن، پرهیز کند.